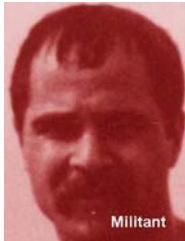


## شاهکار شیوه‌ی استالینی

مصطفی شجاعیان



«مصطفی شجاعیان» نویسنده و متفکر مارکسیست در سال ۱۳۱۵ در محله‌ی «آب انبارمعیر» (واقع در خیابان خیام) تهران چشم به جهان گشود و در بامداد شانزدهم بهمن ۱۳۵۴ در خیابان «استخر» در حالی که به محاصره‌ی نیروهای ساواک رژیم شاه در آمده بود، با فشردن دندان بر کیپسول سیانوری که زیر زبان داشت جان باخت.

«شجاعیان» یکی از رهبران «جبهه‌ی دموکراتیک خلق» بود که در خرداد ۱۳۵۲ به فداییان پیوستند. هدف «شجاعیان» از پیوستن به فداییان این بود که بتواند نظراتش را آزادانه در این سازمان به بحث گذاشته و گوش شنوا پیدا کند. اما رهبری سازمان فدائی نه قادر بود وارد مسائل تنوریک عمیق گردد و نه ظرفیت دموکراتیک برای پیشبرد بحث‌های نظری در درون این سازمان وجود داشت. در نهایت، سران فداییان برای آن که نوشته‌های «شجاعیان» نتواند بر دیگر اعضایشان تاثیر بگذارد، یکی از کادرهایشان

به نام «حمید مومنی» را مأمور کردند تا به مقام پاسخ گویی به نوشته های «شجاعیان» در آید. این فرد عملاً در جواب به نوشته های «مصطفی شجاعیان» دچار تناقض گویی شد. نوشته ی زیر بخش کوتاهی از یکی از کتاب های «مصطفی شجاعیان» به نام «پاسخ های نسنجیده به قدم های سنجیده» است که در جواب به «سازمان چریک های فدایی خلق» نوشته شده است.



هنگامی که از شیوه ی استالینی سخن گفته می شود، مقصود شیوه ی نوپیدایی در تاریخ آدمی نیست، مقصود شیوه ی نوپیدایی در جنبش کارگری است؛ و هم چنین مقصود چنان شیوه یی است که درست مغایر با همه اصول و ارزش های کمونیستی است و در عوض درست منطبق با همه ی اصول و ارزش های ضد کمونیستی است. و مقصود از شیوه ی استالینی، عبارتست از یک چنان شیوه یی که مرحوم استالین بنیانگذار شخصی آن بود و عبارتست از جانشین کردن مسایل شخصی به جای مسایل طبقاتی؛ جانشین کردن پرونده سازی به جای حقیقت جویی؛ جانشین کردن تکفیر به جای برخورد مارکسیستی با اندیشه ها؛ تحریم کردن اشخاص و نوشته هایشان و در عوض، در اختیار توده قرار دادن پرونده های ساخته شده علیه آن کسان؛ بهتان زدن به هر تنابنده یی که نظری متفاوت با نظر او دارد، به طوری که دیگر کسی جرات نکند حتی اگر هم آن تهمت ها را به ناحق می داند، باز هم نظر خود را ولو زیر لفظی باز گوید: فرود آوردن همه ی نیرو و توان تبلیغاتی خود بر روی یک موضوع و یا یک شخص ویژه برای

پایمال کردن آن و در عوض به کار انداختن همه ی این نیرو برای برجسته کردن عکس آن؛ پرداختن به خرده ریزهای پراکنده ی زندگی و گذشته های اشخاص، که به ناچار با خطا نیز آمیخته است و نتیجه گیری قاطع از آن ها برای زمان کنونی، در حالی که واقعیت درست به وارونه ی آن ست... آری، این است شیوه ی استالینی!

... شیوه ی استالینی از هیچ خرده ریز بی سرو تهی هم برای پرونده سازی روگردان نیست. حال آن که هر یک از رفتارهای خودش صد پله، هزار پله، صد کهکشان و هزار کهکشان ضد انقلابی تر از آن مستمسک های دادگاهان نظامی است. [به نمونه های بسیار اندکی از اندیشه های ضد کمونیستی بنیان گذار سیاست های استالینی، یعنی استالین توجه فرماید:]

پرسش [ از استالین]- شما برای سازمان ملل متحد به مثابه ی وسیله ی حراست از صلح جهان، چه اهمیتی قائلید؟

پاسخ [ از استالین]- من برای سازمان ملل متحد به مثابه ی وسیله ی جدی در خدمت صلح و امنیت بین المللی اهمیت بسیار قایلیم، قدرت این سازمان بین المللی در این حقیقت (واقعیت) است که این سازمان بر اساس اصل برابری حکومت ها، نه اصل تسلط برخی از حکومت ها بر دیگران استوار است (۱).

من تردید ندارم که امکانات مسالمت آمیز نه تنها تخفیف نخواهد یافت بلکه ممکن است حتی افزایش یابد. کمونیزم در یک کشور کاملاً ممکن است، به ویژه در کشوری مانند اتحاد شوروی (۲).

پرسش [ از استالین]- نظر دولت اتحاد شوروی نسبت به حضور ناوگان آمریکا در مدیترانه چیست؟

پاسخ [ از استالین]- بی تفاوت هستیم.

پرسش [ از استالین]- آیا روسیه در نظر دارد که از ایالات متحده آمریکا وام بگیرد؟

پاسخ [ از استالین] - بله در نظر دارد (۳).

پرسش [ از استالین]- آیا بایستی اتحاد شوروی و ایالات متحده ی آمریکا سیاست درازمدت مشترکی برای کمک به خلق های خاور دور اتخاذ کنند؟

پاسخ [ از استالین]- به نظر من اگر میسر شود مفید خواهد بود. به هر حال دولت ما حاضر است سیاست مشترکی را درباره ی مسایل خاور دور با ایالات متحده دنبال کند (۴).

پاسخ [ از استالین]- ... بگذار ما متقابلاً سیستم های یکدیگر را مورد انتقاد قرار ندهیم، هر کسی حق دارد از سیستمی که می خواهد، پیروی کند. تاریخ خواهد گفت که سیستم ما بهتر است. ما باید به سیستمی که مردم انتخاب کرده اند، احترام بگذاریم، و این که آیا این سیستم بد یا خوب است، مسأله ی است مربوط به مردم آمریکا. برای همکاری ما به سیستم های مشابهی احتیاج نداریم. ما باید به سیستم دیگری که مردم تایید می کنند، احترام بگذاریم. تنها بر این اساس است که می توانیم همکاری را تضمین کنیم.

ما باید از این فاکت تاریخی آغاز کنیم که دو سیستم مورد تأیید مردم وجود دارد. این پروپاگاند خواهد بود اگر ما یکدیگر را (به ضرب) انتقاد دچار حواس پرتی کنیم (۵).

آن وقت یک چنین موجودی دیگران را به اتهام عدول از مارکسیزم محکوم می کند. کسی که سازمان ملل را می ستاید؛ کسی که کمونیزم در یک کشور را اعلام می دارد؛ کسی که نسبت به وجود ناوگان آمریکا در مدیترانه بی تفاوت است؛ کسی که آماده است با امپریالیزم آمریکا سیاست مشترک درازمدتی را در خاور دور پیاده کند؛ کسی که سیستم آمریکا را سیستمی که مورد تائید مردم آن است می داند ... چندان از مارکسیزم و کمونیزم و طبقه ی کارگر دست شسته است که مارکسیزم و کمونیزم و طبقه ی کارگر نیز بایستی به یک باره از او دست شوید! و با این همه، چنین کسی به جرم عدول از مارکسیزم هر چه از دهانش در آید به هر کسی که خوش دارد، می گوید و هر کاری که از دستش بر آید درباره ی هر کسی که رویش گیرد، انجام می دهد.

این که آن هایی که استالین به صلابه کشیده است چه نسبتی با مارکسیزم و طبقه ی کارگر داشتند یا نداشتند، امر دیگری است. ممکن هم هست منحرف بودند و یا نبودند. به هر رو، من اطلاعات دقیقی که بتوانم داوری کنم، ندارم. و اساساً سخن بر سر آن ها نیست. سخن بر سر این است، کسی حق دارد دیگری را به جرم عدول از مارکسیزم کیفر دهد، که خودش در کنار طبقه ی کارگر، و نه در کنار امپریالیزم آمریکا و هر امپریالیست دیگری قرار گرفته باشد. چنین موجودی چگونه می تواند به جرم عدول از ماکسیزم کسی را محکوم کند؟ چنین کسی چگونه می تواند به جرم

(همکاری) با امپریالیزم کسی را کیفر دهد! آیا جز این است که در چنین مواردی، مارکسیزم صرفاً به مانند چماق تکفیر ریایی به کار رفته است؟

... [رفقای چریک های فدایی خلق] در کتاب «شورش نه، قدم های سنجیده در راه انقلاب» این کمترین را با آتش بار «ایزم» های جور و اجور هو می کنند. حال آن که همه ی آن آتش بارها، همان «هو» هستند. و «هو» که از نظر اپورتونیستی و استالینیستی یک توپ خانه ی نیرومند و افسانه بی است، از نظر تاریخی با د است، با د!

### توضیحات:

- (۱) مصاحبه با نماینده ی
- (۲) «آسوشیتدپرس»، ۲۲ مارس ۱۹۴۶.
- (۳) مصاحبه با فرستاده ی روزنامه ی «ساندی تایمز» ۲۴ سپتامبر ۱۹۴۶.
- (۴) مصاحبه با «هیو بی لی»، «پرزیننت یونایتدپرس»، ۲۸ اکتبر ۱۹۴۶.
- (۵) مصاحبه با «الیوت روزولت»، ۲۱ دسامبر ۱۹۴۶.
- (۶) مصاحبه با «هارولدستاس»، ۲۹ آوریل ۱۹۴۷.

### منبع: نشریه میلیتانت شماره ۱

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: [yasharazarri@yahoo.com](mailto:yasharazarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۶